

آیا حمایت از دولت مصلحتی است؟

سرمقاله | صفحه ۲



آورده حضرت موسی برای امروز ایران

• نظر رهبرانقلاب درباره فیلم حضرت موسی چیست؟

صفحه ۳



آیا حمایت از دولت مصلحتی است؟

اگرچه این نکته و توصیه‌ی مهم و کلیدی در دیدار نمایندگان مجلس بیان شد، اما همان‌طور که در بیان رهبر انقلاب نیز به شکل واضح و روشنی بیان شده، فقط جمع نمایندگان مجلس مخاطب این توصیه نیستند، بلکه همگان مخاطب و مکلف به آن هستند. منطق نیز روشن و واضح است: دولت چیزی جدا از کلیت نظام و کشور و سرنوشت آن نیست؛ و مگر حکومتی می‌تواند بدون موفقیت دولتش موفق باشد؟

اینجا است که حتی گروه‌های رقیب سیاسی نیز باید از منظر کلان‌تر به صحنه و موضوع نگریند و رفتار و مواضع خود را با این اصل بدیهی تنظیم کنند. این اصل بدیهی، در هر نظام سیاسی و کشوری، به طور طبیعی و منطقی صادق است و قطعاً برای کشوری مانند ایران که نظام آن «جمهوری اسلامی» بوده و قدرت سیاسی ذیل آموزه‌ها و تعالیم دینی تعریف می‌شود، اهتیتی دوچندان دارد. قطعاً افراد و جریان‌های سیاسی و اجتماعی هر قدر خود را بیشتر مطیع ولایت فقیه و پاینده ارزش‌های اسلامی و انقلابی بدانند، باید بیشتر به این توصیه و مطالبه توجه داشته و خود را مخاطب آن تلقی کرده و در راستای عمل به آن بکوشند.

مهم‌ترین آفت در این زمینه، ماندن و درجا زدن در فضاهای رقابتی و شبه‌انتخاباتی است؛ کماینکه رهبر معظم انقلاب اسلامی، در مراسم تنفیذ حکم ریاست جمهوری آقای پزشکیان، به این موضوع پرداختند و آن را به عنوان یکی از توصیه‌های خود بیان کردند: «توصیه‌ی بعدی،

مربوط به فضای احساسات عمومی ناشی از انتخابات است، که مخاطب این [توصیه] اتحاد مردمند، فقالتان سیاسی و اجتماعی‌اند. خب انتخابات طبعاً چالش برانگیز است دیگر؛ افرادی در انتخابات، در دو طرف قضیه قرار می‌گیرند، چالشهایی به وجود می‌آید؛ نباید به وسوسه‌های دوقطبی‌سازی اعتنا کرد و ترتیب اثر داد؛ این توصیه‌ی مؤگد بنده است. نباید احساساتی که افراد را در دوره‌ی انتخابات وادار به مجادله‌ی با یکدیگر می‌کرد ادامه پیدا کند؛ نگذارید ادامه پیدا کند. خب خاصیت انتخابات این است دیگر؛ یکی رأی می‌آورد، یکی رأی نمی‌آورد؛ این نتیجه‌ی انتخابات است. انتخابات یعنی همین؛ مثلاً یک نفر مورد علاقه‌ی شما است رأی می‌آورد، یک نفر مورد علاقه‌ی دیگری است رأی نمی‌آورد؛ این طبیعی است؛ این نباید موجب نقار بشود؛ این نباید موجب اختلاف و شکاف و جدایی بشود. در جمهوری اسلامی سلیق گوناگون، گرایشهای گوناگون از اول انقلاب تا حالا آمدند بالا، رفتند پایین؛ بعضی‌ها امروز رأی آوردند، فردا دیگری رأی آورده؛ عکسش هم همین جور؛ این همین «وَلَيْكُمُ الْآيَاتُ مُدَاوِلَهَا يَتَيْنِ النَّاسُ» است دیگر؛ این امتحان است. بنده عرض می‌کنم در همه‌ی این انتخابات‌هایی که اتفاق افتاده، ملت ایران پیروز شده؛ ما شکست خورده نداریم. آن کسانی

حضرت آیت الله خامنه‌ای، عصر شانزدهم شهریور ۱۴۰۴ در دیدار هیئت دولت، با تشکر از رئیس جمهور، مسئولان، مدیران و کارکنان فعال مجموعه‌ی دولت - به ویژه دستگاه‌هایی که در آزمون دوازده روزه‌ی جنگ، به معنای حقیقی کلمه فداکاری کردند - «انگیزه»، «روحیه» و «حرکت» دکتر پزشکیان را مورد تقدیر قرار دادند و افزودند: «تشکر ویژه می‌کنم از رئیس جمهور محترم به خاطر کار متراکم و مفیدی که ایشان انجام می‌دهند. این جور کار کردن و با این انگیزه‌ها کار کردن و با این روحیه کار کردن، همان چیزی است که کشور به آن نیاز دارد. از جمله این سفر اخیرشان به چین سفر بسیار خوبی بود و بالقوه زمینه‌ای است - نمی‌گویم بالفعل است - برای حوادث بزرگ مورد نیاز کشورمان، چه از لحاظ اقتصادی، چه از لحاظ سیاسی؛ خوشبختانه یک زمینه‌ی این چنینی را ایشان با این سفر به وجود آوردند که دستاوردهایی داشته و بایستی پیگیری بشود ان شاء الله.»

ایشان همچنین در مراسم عزاداری شهادت امام رضا (ع) (۱۴۰۴/۶/۲)، با ردیگر بر مسئله‌ی «اتحاد» تأکید کردند و همگان را به حمایت از رئیس جمهور و دولت توصیه فرمودند: «امروز بحمد الله اتحاد وجود دارد. این اتحاد را مردم حفظ کنند. مسئولان کشور، بخصوص مسئولان سه قوه که بحمد الله امروز آنها هم در کمال اتحاد و همدلی دارند با هم کار می‌کنند، این را حفظ کنند. خدمتگزاران کشور را مردم حمایت کنند؛ رئیس جمهور را حمایت کنند. رئیس جمهور، پُرکار و پُر تلاش و پیگیر است؛ عناصر این جور که پُرکار باشند، پُر تلاش باشند، پیگیر باشند، اینها را باید قدرشناسی کرد. اتحاد بین ملت و دولت، بین آحاد مسئولین گوناگون نظام، بین نیروهای مسلح و مردم، بین آحاد مردم، چیزی است که بایستی با همه‌ی وجود حفظ بشود؛ این توصیه‌ی قطعی من است.»

سؤال مهم این است که چرا باید از دولت حمایت کرد و دلیل تأکید رهبر انقلاب اسلامی، حضرت آیت الله خامنه‌ای، بر قدرشناسی و حمایت از خدمتگزاران و مسئولان کشور چیست.

■ مشی همیشگی

نهادهای سیاسی مستقر و فعال در جمهوری اسلامی ایران حاصل حضور و مشارکت مردم در عرصه‌ی سیاسی است که نشان دهنده‌ی تبلور مردم‌سالاری دینی است. دولت‌های برآمده از دل صندوق‌های انتخاباتی که نتیجه‌ی حضور سلیق مختلف سیاسی در فرایند سنجیده‌ی انتخابات در کشور است، همواره مورد حمایت رهبر انقلاب اسلامی بوده‌اند. رهبر انقلاب در این باره این گونه بیان داشته‌اند: «دأب بنده هم این است که همیشه از همه‌ی دولت‌ها که بر سر کار هستند حمایت می‌کنم؛ امروز هم همین جور است، بعد از این هم ان شاء الله تا زنده هستیم همین جور خواهد بود.» (۱۳۹۶/۳/۲۲)

البته این حمایت‌های کلان سیاسی رهبر انقلاب از دولت‌های مستقر، همواره ضمن داشتن شروطی، با نصایح صریح و مشفقانه همراه بوده و حراست از مسیر ارزش‌ها و آرمان‌های انقلاب و هدایت کارگزاران در خط انقلاب اسلامی از ویژگی‌هایی است که در مشی رهبری سیاسی امام خمینی (ع) و حضرت آیت الله خامنه‌ای به روشنی دیده می‌شود. نکته‌ی دیگر آنکه طبیعتاً دولت‌ها هر قدر بیشتر در خط انقلاب و اهداف و آرمان‌های آن عمل کرده و کنند، از حمایت و تأیید بیشتری از سوی رهبر انقلاب برخوردار بوده و خواهند شد.

روشن است که پیوند و همکاری قوای سه‌گانه

با یکدیگر و اتحاد مردم و نیروهای مسلح با قوه‌ی مجریه که متصدی وزارتخانه‌های مختلف و تمشیت امور کلان اجرایی کشور در بخش‌های مختلف سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی است، قوام بخش نظام سیاسی جمهوری اسلامی و خنثی‌کننده‌ی راهبردهای خصمانه‌ی دشمن همچون القای حاکمیت دوگانه در دل نظام جمهوری اسلامی است.

■ موفقیت دولت؛ موفقیت همه

رهبر معظم انقلاب اسلامی سال گذشته و در حالی که دولت چهاردهم هنوز به صورت رسمی شکل نگرفته بود، پیش از مراسم تنفیذ و در دیدار رئیس‌را نمایندگان مجلس دوازدهم، نکته‌ی بسیار مهمی را بیان کردند: «من توصیه‌ی مؤگدی که اینجا یادداشت کرده‌ام، تعامل سازنده‌ی با دولت جدید است. همه کمک کنند که رئیس جمهور منتخب بتواند وظایفی را که در قبال کشور دارد، انجام بدهد. اگر ما توانستیم جوری رفتار کنیم که رئیس جمهور موفق بشود، این موفقیت همه‌ی ما است؛ اگر او در اداره‌ی کشور، در پیشبرد اقتصاد کشور، در مسائل بین‌المللی کشور، در مسائل فرهنگی کشور به موفقیت دست پیدا کند، همه‌ی ما به موفقیت دست [پیدا] کرده‌ایم؛ پیروزی او پیروزی همه‌ی ما است؛ این را باید واقعاً از بن دندان باور کنیم.» (۱۴۰۴/۴/۳۱)

آورده حضرت موسی برای امروز ایران



ابراهیم حاتم‌کیا

من داشتم در مورد حاج قاسم کار می‌کردم که قصه‌ی حضرت موسی به من پیشنهاد شد. به خود آقا نامه نوشتم و خواستم که به من راهنمایی بدهند که آیا من در این پروژه‌ی حضرت موسی پایستم یا نه. رهبرانقلاب هم نظر دادند؛ حالا جزئیاتش الان دقیق یاد نمی‌آید، ولی یک چیزی نوشته بودند و اشاره کرده بودند که خوب است کار بکنید و حتماً شما در این کار باشید. با خودم می‌گفتم آیا حاتم‌کیا می‌تواند فیلم مذهبی تاریخی با شیوه‌ی تکنیک جدیدی که در ایران تجربه نشده بسازد و با آن زبان، قصه را روایت کند؛ همه‌ی این‌ها را بگذارد یک طرف؛ می‌گفتم آیا حاتم‌کیا می‌تواند فیلمی بسازد که آقا از آن خوشش بیاید و از آن تعریف کند یا حداقل بدش نیاید؟ این یکی برایم خیلی اهمیت داشت. تا اینکه فیلم آماده شد و من با همه‌ی قوا، به همراه یاور دل‌خسته‌ی خودم آقای سیدمحمود رضوی که در این کار همراه ما بود - فیلم را به سرعت به آقا رساندیم که قبل از اینکه کسی ببیند، اول رهبرانقلاب ببینند. در دیداری که بعد از این ماجرا خدمت رهبرانقلاب رسیدیم، با وجود اینکه من هیچ وقت کلمات و جزئیات در یادم نمی‌ماند ولی این را یادم هست که سه بار گفتند «عالی بود» و نفس من باز شد. رهبرانقلاب فرمودند «فیلم موسی را دیدم، عالی بود. ان شاء الله دنباله‌ی آن را هم همین‌طور بتوانید بیاورید. خیلی برجسته بود الحمدلله. من هم لذت بردم از دیدن فیلم و هم خوشحال شدم از اینکه یک چنین اثری تولید شد.»

درباره‌ی اینکه آورده‌ی حضرت موسی برای امروز ایران چیست؛ ببیند رهبرانقلاب چقدر از «إِنَّ مَعِيَ رَبِّي سَيَهْدِينِ»، از موسی و موقعیت‌ها و ترس‌هایی که بر دل او بود می‌گویند! بعضی‌ها فکر می‌کنند ما در رابطه با قوم یهود داریم حرف می‌زنیم؛ قوم یهود کدام است؟ بنی اسرائیل، مسلمان دوران خودش است؛ من دارم بر این مبنا حرف می‌زنم؛ از حضرت رسول روایت شده که می‌فرمایند آنچه بر قوم بنی اسرائیل آمده، نعل به نعل برای امت من هم پیش می‌آید. یعنی این چیزی نیست که بگویم آقا این بنی اسرائیلی‌ها یک آدم‌هایی آن طرف هستند؛ بنی اسرائیل فقط این جماعتی نیستند که الان مربوط به قوم یهود می‌شوند؛ نه، منظور خلق بنی اسرائیلی و طبیعت بنی اسرائیلی است. این مسیری است که ما باید طی بکنیم و من معتقدم ماجرای این‌ها برای همه‌ی دنیا، برای همه‌ی جهانیانی که گوش شنوا دارند و چشم بینا دارند، قابل فهم و درس گرفتن است.

راهبرد مهم دشمن در ایجاد اختلاف و شکاف در کشور است و البته این حمایت با داشتن سلاقی و افکار مختلف و متنوع منافاتی ندارد. ایشان اخیراً درباره‌ی نسبت میان ارائه‌ی نظرات مختلف با لزوم هم‌صدایی و همکاری در کشور چنین فرمودند: «من از علائم و قرائنی این جور احساس می‌کنم که امروز بیشترین تلاش دشمن برای این است که این هم‌صدایی را، این یک‌صدایی را، این همدلی را، این همکاری را خدشه دار بکنند؛ امروز این کار را دشمن دارد با شیوه‌های مختلف می‌کند؛ مردم توجه داشته باشند. البته بعضی ممکن است در مسائل گوناگون نظرات مختلفی داشته باشند؛ هیچ اشکالی ندارد، لکن تخریب نباید کرد؛ تخریب، خواست دشمن است. و این همکاری قوای سه‌گانه، همکاری مجلس و دولت و قوه قضائیه و نیروهای مسلح و دیگران، باید ادامه پیدا کند.»

۱۴۰۴/۶/۲

درس عملی عدالت و انصاف

افزون بر همه‌ی مواردی که در پاسخ به سؤال از چرایی حمایت رهبر معظم انقلاب از رئیس‌جمهور و مسئولان کشور ذکر شد، می‌توان نکته‌ای مهم و اساسی را نیز در نظر داشت: حضرت آیت‌الله خامنه‌ای در جایگاه مرجعیت شیعه و با تجربه‌ی نزدیک به ۳۶ سال رهبری، ۸ سال رئیس‌جمهوری، نمایندگی مجلس و دیگر مسئولیت‌های انقلابی و اجرایی و نظامی، بدون تردید، دیدبان اصلی اداره‌ی کشور و مُشرف‌ترین فرد به وضعیت عملکرد دولت‌ها و مسئولان کشورند؛ لذا اگر از عملکرد و شخصیت مسئولی تقدیر میکنند و درباره‌ی عملکردی تذکر میدهند و یا نسبت به مشکلات هشدار میدهند، این ابراز نظر دارای یک عقبه‌ی کارشناسی، تجربی و با اشراف قطعی است و بزرگ‌ترین جفا این است که تقدیر ایشان از عملکرد مثبت یک مسئول «مصلحتی» تلقی شود.

مهم‌تر آنکه تقدیر و حمایت از رئیس‌جمهور درس عملی عدالت و انصاف رهبر معظم انقلاب برای جوانان مؤمن و انقلابی است که اگر مسئولی، با هر نوع نگرش سیاسی، در انجام وظایف خود نقاط برجسته‌ای داشت، باید بدون لکنت از آن دفاع کرد.

آزمون قدرشناسی

سخن پایانی با مسئولان ارشد کشور: هم در محضر خداوند متعال «از فرصت خدمت به مردم قدردانی کنید. این فرصت اولاً به همه داده نمی‌شود، ثانیاً همیشه داده نمی‌شود. این را از دست ندهیم. از ساعت ساعت این عمر خدمتی خودمان استفاده کنیم» و هم اینکه بدانیم پاسخ حمایت رهبر انقلاب از اقدامات مثبت آنان، تلاش روزافزون برای ارتقاء کیفیت خدمات‌رسانی به ملت ایران و رفع مشکلات در چهارچوب سیاست‌های کلی نظام جمهوری اسلامی ایران است.

پایان سرمقاله

که وارد میدان شدند، از یک نامزدی حمایت کردند و آن نامزد رأی نیاورد، اینها شکست نخوردند، اینها هم پیروزند؛ اینها جزو ملت ایرانند دیگر، ملت ایران پیروز است. بنابراین آن حالت نقاریا دلخوری و دلتنگی‌ای که گاهی ممکن است در اثنای مجادلات و مباحثات انتخاباتی اتفاق افتاده باشد، نباید ادامه پیدا کند. نه آن کسی که نامزدش رأی آورده است باید احساس اعتلا کند، نه آن کسی که نامزدش رأی نیاورده است باید احساس شکست کند؛ هیچ‌کدام، نه این [احساس] اعتلا می‌کند، نه آن احساس شکست می‌کند. این هم توصیه‌ی بعدی ما است که مخاطبش همه‌ی فعالان سیاسی و اجتماعی و انتخاباتی و مانند اینها است.» ۱۴۰۳/۵/۷

اتحاد مقدس

نکته‌ی مهم دیگری که در این قضیه وجود دارد، آن است که کشور در شرایطی بسیار حساس و تاریخی به سر می‌برد؛ شرایطی که می‌توان از آن به عنوان «جنگ احزاب» یاد کرد. دشمنان این کشور و مردم و انقلاب، دست به دست هم داده و عزم خود را جزم کرده‌اند تا بار دیگر بخت خود را برای تحقق رؤیاهای شوم و همیشه شکست خورده بیازمایند. در این شرایط، اولین تکلیفی که رهبر معظم انقلاب در تکالیف راهبردی هفت‌گانه بیان و مطالبه کردند «حفظ اتحاد و انسجام کشور» بود و بدون شک، حمایت از دولت یکی از مصادیق و راهکارهای عمل به این تکلیف است. البته که دولت و دولتمردان نیز باید به تکلیف خود در پیشبرد صحیح و درست امور کشور عمل کنند؛ کما اینکه یکی از تکالیف هفت‌گانه به این موضوع اختصاص داشت: «جدّیت و پیگیری و به نتیجه رساندن کارهای کشور و وظیفه‌ی همه‌ی دستگاه‌های مسئول اجرایی است.» ۱۴۰۴/۵/۳

علیه راهبرد دشمن

نکته‌ی پایانی و مهم آنکه حمایت از دولت به معنای نادیده گرفتن ضعف‌ها و نقص‌های آن نیست. هیچ دولتی بدون ضعف و نقص نبوده و نیست و نخواهد بود؛ لذا بیان دلسوزانه و صحیح ضعف‌ها همراه با ارائه‌ی راه‌حل‌های منطقی و عملی - به صورتی که با برنامه‌های دشمن، به خصوص در عرصه‌ی عملیات روانی و رسانه‌ای، مخرج مشترک پیدا نکند - نیز نوعی کمک و حمایت از دولت است.

حمایت از رهبر معظم انقلاب از دولت اولاً به معنی تأیید کلیه اقدامات در سطوح مختلف اجرایی کشور نیست. ثانیاً به منزله عدم وجود نقد و تذکر از سوی رهبر معظم انقلاب نیز نبوده و نخواهد بود؛ چنانچه معظم‌له بارها در دیدارهای مختلف به این مسأله اشاره کرده و بیان نقدها، تذکرات و برخی مشکلات تا حد ممکن محدود در ارتباطات کاری و جلسات خصوصی دانسته‌اند. از طرف دیگر، حمایت از رهبر معظم انقلاب از دولت دولت مستقر یکی از راه‌های مقابله با

«آخرین شاه، آخرین دربار»

انتشارات: موسسه مطالعات

تاریخ معاصر ایران

نویسنده: موسی قتیبه حقانی

۴۱۱



هفدهم شهریور نقطه عطفی در تاریخ معاصر ایران و آغاز بحران‌های گسترده پیش از به ثمر نشستن انقلاب اسلامی ایران در ۱۳۵۷ به شمار می‌آید. برای درک واقعی رژیم پهلوی، کتاب «آخرین شاه، آخرین دربار» منبعی بی‌واسطه است که روابط دربار، سیاست داخلی و دیپلماسی شاه را از زبان نزدیک‌ترین افراد به او روایت می‌کند. این اثر، بر اساس یادداشت‌های روزانه امیرالسلاطین علم، وزیر دربار، تدوین شده و شامل وقایع ده سال پایانی سلطنت پهلوی است. کتاب، چکیده‌ای منسجم از یادداشت‌های هفت جلدی علم است و با تقسیم‌بندی موضوعی و توضیح کوتاه درباره شخصیت‌های اصلی، تمرکز ویژه‌ای بر روابط دربار و جامعه، بحران مشروعیت شاه و نارضایتی‌های اجتماعی دارد و تصویر کم‌واسطه‌ای از تصمیم‌گیری‌ها و روحیات نزدیکان شاه ارائه می‌کند. سه محور اصلی کتاب شامل خانواده و درباریان، سیاست داخلی و روابط بین‌المللی است. خانواده شاه، به ویژه فرح پهلوی و ولیعهد رضا، نقشی کلیدی در تثبیت سلطنت داشتند، اما نفوذ خواهران و برادران و حضور آنان در فعالیت‌های اقتصادی و سیاسی باعث افزایش نقدهای عمومی و فاصله گرفتن دربار از مردم شد. در سیاست داخلی، علم روایت می‌کند که تمرکز قدرت در دست شاه، محدودیت آزادی بیان و کنترل شدید دانشگاه‌ها و رسانه‌ها، جامعه را به سمت نارضایتی سوق داد. هزینه‌های پرخرج دربار و تشریفات رسمی نیز فشار اقتصادی بر کشور وارد می‌کرد و تشکیل حزب رستاخیز و سرکوب اعتراضات، بی‌اعتمادی عمومی را تشدید می‌کرد. روابط خارجی شاه نیز آینه‌ای از جاه‌طلبی و اضطراب اوست؛ وابستگی به آمریکا، تعامل محتاطانه با شوروی، روابط پیچیده با کشورهای عربی و ارتباط پنهان با اسرائیل، همه نشان‌دهنده سیاست خارجی مبتنی بر حفظ تاج و تخت بود. مسائل منطقه‌ای، مانند آب هیرمند، نشان می‌دهد حتی در تعامل با همسایگان ضعیف‌تر نیز شاه با چالش‌های جدی مواجه بود. در مجموع، «آخرین شاه، آخرین دربار» نه فقط یک گزارش تاریخی، بلکه آینه‌ای از دربار پهلوی است؛ کتابی که نشان می‌دهد چگونه تصمیم‌ها گرفته می‌شد، دغدغه‌های شاه و نزدیکانش چه بود و فاصله میان کاخ و جامعه چقدر عمیق بود. این اثر تصویری روشن و ملموس از سال‌های آخر سلطنت و ریشه‌های انقلاب ۱۳۵۷ ارائه می‌کند و نشان می‌دهد چگونه تمرکز قدرت، فساد و دوری حکومت از مردم، زمینه سقوط نظام شاهنشاهی را فراهم ساخت.

لَا يَسْتَوِي أَصْحَابُ النَّارِ وَأَصْحَابُ الْجَنَّةِ أَصْحَابُ الْجَنَّةِ هُمْ الْفَائِزُونَ | سوره حشر، آیه ۲۰

باید با شیطان مبارزه کرد و بهشت را برای خود حفظ کرد

عاقبت آن کسانی که کار بد کردند این بود که یواش‌یواش خدا و آیات خدا را هم تکذیب کردند. پس بنابراین، این بهشتی را که امروز ما در آن هستیم چه کسی باید برایمان نگه دارد؟ خودمان باید نگه داریم؛ و الا چنین چیزی که بنشینیم تا خدا برای بهشت را نگه دارد نمی‌شود. همان‌طور که از آن جهنم قبلی خودتان بیرون آمدید، خودتان حرکت کردید و خدا هم برکت داد، حالا هم حرکت کنید، مبارزه کنید و این بهشت را برای خودتان حفظ کنید؛ مبارزه با خودتان، مبارزه با هواها، مبارزه با هوسها و مبارزه با همه چیز بد، با شیطان؛ از شیطان بزرگ که آمریکا است گرفته، تا شیطانهای کوچک مثل ابلیس و بقیه؛ که آنها از ابلیس بسیار خبیث‌تر و بدترند.

۱۳۶۱/۷/۲ | بیانات حضرت آیت‌الله خامنه‌ای در جلسه تفسیر سوره حشر

حدیث زندگی

همه‌ی بشریت متدین، منتظر مصلح عدل گستر هستند

اسلام ناب، آن اسلامی است که ابوجهل‌ها باید از آن بترسند؛ اگر اسلامی بود که ابوجهل‌ها از آن نترسیدند، ابوسفیان‌ها از آن نترسیدند و با آن دشمن نبودند، در اسلام بودن آن باید شک کنید؛ اسلام نیست. آن اسلامی هم که طبقات مستضعف و محروم به آن امیدوار نشوند و دل ندهند، اسلام نیست. اسلامی که نتواند آرزوهای خفته‌ی فروکشته‌ی قشرهای مظلوم را در سطح دنیا - نه فقط در سطح کشور خودمان - زنده کند و احیا کند، شک کنید در اینکه این، اسلام باشد. همه‌ی بشریت متدین، منتظر مصلح است؛ و همه‌ی مسلمین، منتظر مهدی موعودند؛ و خصوصیت مهدی موعود علیه السلام در نظر مسلمانان این است که [به فرموده‌ی پیامبر صلی الله علیه و آله] «يَمْلَأُ اللَّهُ بِهِ الْأَرْضَ قِسْطًا وَعَدْلًا كَمَا مُلِئَتْ ظُلْمًا وَ جَوْرًا». ^(۱) عدل و داد، استقرار عدالت در جامعه، از بین بردن ظلم از سطح زمین، خصوصیت مهدی موعود است. پُر کردن دنیا از عدل و داد، و ظلم را ریشه‌کن کرد، آن چیزی است که در این کلمات متواتر وارد شده است. ^(۱) کمال‌الدین و تمام النعمة، شیخ صدوق ج ۱ ص ۲۵۸ ح ۳

کلام امام، نقشه راه انقلاب



قرآن به ما برای سرتاسر عالم در سرتاسر تاریخ دستور وحدت داده است

امیدوارم که خداوند تبارک و تعالی به ملت قهرمان ایران سلامت بدهد و «هفته وحدت» را واقعاً وحدت درست کند، نه اینکه فقط ما «هفته وحدت» می‌گیریم. ما محتاج به وحدت هستیم در سالیان دراز، همیشه. قرآن کریم که [به] ما دستور داده و به مسلمین دستور وحدت داده، برای یک سال و ده سال و صد سال نیست، برای سرتاسر عالم است در سرتاسر تاریخ. و ما محتاج به این هستیم که عملاً وحدت را محقق کنیم و محقق هست و نگه داریم این وحدت را. و من امیدوارم که با برکت وحدت ملت ایران، این وحدت در سایر کشورهای اسلامی هم پیدا بشود که دارد پیدا می‌شود، و همه مسلمین دست واحد بشوند بر اعدا چنانچه در روایت هست. امام خمینی علیه السلام ۱۳۶۴/۰۹/۰۹

خطبه‌های انقلاب

وحدت، یک شعار تو خالی و پوچ نیست؛ ستون اصلی نظام اسلامی است

ما این هفته ی وحدت را رمز نزدیکی و برادری ملت‌های مسلمان می‌دانیم، معتقدیم که به برکت و احترام نام رسول الله باید اقامت رسول الله صلی الله علیه و آله دور هم جمع بشوند و شعار وحدت بدهند. ما مسئله ی وحدت شیعه و سنی را در داخل کشورمان حل کردیم. ما به عنوان کسانی که قرآن را و عروة الوثقی اسلام را رشته ی پیوند دهنده ی این گوه‌هایی که به نام ملت‌های مسلمان در دنیا پراکنده اند می‌دانیم. شما برادران و خواهران مسلمان مان که الگوی وحدت را می‌خواهید به دنیا بدهید، باید از همه بیشتر به وحدت فکر کنید. وحدت یک شعار تو خالی و پوچ نیست؛ وحدت یک ستون اصلی نظام اسلامی است. خطبه‌های نماز جمعه | ۱۳۶۲/۹/۲۵

منشور معنوی انقلاب



۱۳۶۵/۱۰/۱۹

فرازی از وصیت‌نامه شهید قاسم عبدی که با تانی مجروح اسیر دشمن شد و غریبان در بیمارستان عراق به شهادت رسید.

چه شهید شویم و چه زنده بمانیم در هر دو صورت پیروزیم

چه شهید شویم و چه زنده بمانیم در هر دو صورت پیروزیم چون از واقعه کربلا ۱۴ قرن می‌گذرد و هنوز نام امام حسین علیه السلام را با شکوه فراوان می‌برند امام خمینی کسی بود که مثل امام حسین علیه السلام در درجه اول سینه‌ی خود را سپر قرار داد و در مقابل کافران و از خدای بی‌خبران مثل کوه استوار ایستاد. چون امام خمینی ابر مردیست با ایمان. دوست دارم مثل یک بسیجی در جبهه به شهادت برسم چون شهادت سعادت است و یک شهید بالاترین مقام را در پیشگاه خداوند دارد.